

فشرده شرح احوال سفیران ایران و آمریکا

از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی

سید محمد حسین دریاباری

پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



روند پیدایش وزارت امور خارجه در ایران.

«سفارت و سفرا»، پدیده‌ای متعلق به روابط خارجی دولتهاست که از طریق نهاد معینی به نام «وزارت امور خارجه» فعال می‌شود. بنابراین پیش، از پرداختن به ذکر بیوگرافی سفیران ایران و آمریکا، به منظور تبیین و ترسیم فضای روشنی از مناسبات خارجی ایران و آمریکا و دولت‌های دیگر - که در آن فضاها مبادله سفیران صورت می‌گرفته، نکته‌هایی را به عنوان مقدمه یاد می‌کنیم.

ایران کشوری است که از فرهنگ و تمدن دیرینه برخوردار است. و در بعضی از ادوار تاریخ به عنوان یکی از چند قدرت و امپراطور جهان بشمار می‌رفت. شواهد و قرائن تاریخی نشان می‌دهد که زمامداران ایران حتی جنگجویترین آنها نتوانستند از اقتدار ملی دفاع کرده و برای سربلندی میهن و تکامل نهادهای گوناگون درون ایران بکوشند. به یقین ناتوانی آنان ناشی از تصادف نبود بلکه ساختار حکومت در کشور ما همواره بنحوی بود که مردم در آن سهم و دخالتی نداشتند، در این صورت بدیهی است که حکومت قادر به جذب نخبگان دلسوز و در نیوده است. نخبگی و نبوغ تنها هنگامی ارزش داشت که در خدمت خواست حاکمان باشد. شاهان کشور ما گاهی با هوش خود روی کار می‌آمدند و گاهی دیگران برای تامین منافع تود آنها را به قدرت می‌رساندند. با این که مردم هر

کشوری به عنوان نیروی انسانی و سازنده مرز و بوم بشمار می آیند اما مردم در ایران نقش چندانی در تعیین سرنوشت خود نداشتند. پیشرفت و ترقی بسیاری از کشورها را باید در آزادی مردم و دخالت مستقیم آنان در امر حکومت جستجو کرد. ولی مردم کشورمان همواره از این حق مشروع محروم بودند. اگر از لابلای حکومتها در هر دوره‌ای نابغه‌ای بر می‌خواست و از توان سازندگی بهره‌ای داشت و اندیشه ساختن میهن را در سر می‌پروراند، کوه فکرا داخلی و دشمنان خارجی، با شتاب فراوان او را از گردونه حکومت و مدار هستی ساقط می‌کردند. مورخان اوضاع ایران را به انواع مختلف بررسی کرده‌اند. در این بررسیها نحوه‌ی دست‌یابی شاهان به قدرت، عملکرد آنها تا آن هنگامی که سوار بر اریکه قدرت بودند. میزان توجه حاکمان به مردم و در نتیجه اقبال و توجه مردم به سلاطین مورد توجه و ملاحظه قرار گرفت. این بررسی و کاوش نشان می‌دهد که ایران دوران جنگهای سخت و خونین، عصر شکوه، دوران آرامش نسبی، دوران پر آشوب، دوران رقابت‌های استعمارگران و بالاخره دوران اشغال نظامی بیگانگان را پشت سرگذارده است. در حال حاضر کشورهایی در جهان بچشم می‌خورند که ۱- ایران سابقه تمدن و فرهنگ ندارند ولی اکنون در زمره کشورهای بسیار مقتدر گیتی محسوب می‌شوند. شاید یکی از مهمترین و اصلی‌ترین علل، دورنگاه داشتن مردم از صحنه‌ی سیاست و مشارکت ندادن آنها در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. ایران کشوری است که اهمیت ژئوپولیتیک آن برای غربیان پنهان نبود. همین امر موجب گردید تا کشورهایی مانند انگلیس، روسیه و سپس آمریکا بر سر منابع و ذخایر سرزمین ما به رقابت استعماری پردازند. حمایت بیگانگان از حاکمان جدای از مردم ایران نشان می‌دهد که اگر حکومت سلاطین متکی به مردم و قدرت خروشان آنها بود هر کشوری به آسانی نمی‌توانست بدون موانع اقدام به کودتا کرده و فردی را از جایش برداشته و شخص مورد دلخواه خود را بر اریکه قدرت نشاند. بهر تقدیر علل و عوامل بی‌شماری دست در دست هم گذاردند تا ایران دو هزار و پانصد ساله نتواند اقتدار ملی، علمی، اقتصادی و اجتماعی در شان خویش را که مقطعی میراث دار علم و معرفت بوده محفوظ نگاه دارد. مجموعه‌ی عوامل یاد شده اثرش در دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار آشکار گردید. ایران در این هنگام از لحاظ سیاسی و اقتصادی بقدری دچار ضعف و انحطاط شد که بدون اجازه دو دولت همسایه نمی‌توانست با دولت‌های دیگر روابط صمیمانه و نزدیک برقرار کند. البته روابط موجود ایران در آن زمان با کشورهای دیگر جنبه‌ی

تشریفاتی و سمبلیک داشت. با اینهمه در دوران فتحعلیشاه اتفاقی رخ داد که اثرات مهمی در روابط و مناسبات خارجی ایران داشته است و آن تاسیس و تشکیل وزارت امور خارجه در ایران می‌باشد. از اوایل قرن نوزدهم که انتصاب نمایندگان سیاسی و سفرای دائمی در دربار ایران مرسوم شد کثرت و زیادی کار مربوط به سیاست خارجی و نمایندگان بیشماری که از طرف دولت‌های خارجی به ایران اعزام می‌شدند موجب گردید که فتحعلیشاه در سال ۱۸۰۹ میلادی رضاقلی خان نوائی منشی الممالک را که در واقع وزیر داخله بشمار می‌رفت مامور مراجعات نمایندگان بیگانه بنماید و به این ترتیب در آغاز، وزارت امور خارجه به صورت شعبه‌ای از وزارت داخله تاسیس گردید. فرمان مورخ ذی الحجه ۱۲۳۶ قمری برابر با اکتبر ۱۸۲۱ میلادی دستور تاسیس وزارت امور خارجه را بطور مجزا و مستقل صادر نمود و میرزا عبدالوهاب خان معتمد الدوله نشاط اصفهانی، دانشمند و شاعر مشهور را به سمت نخستین وزیر خارجه تعیین نمود. در این زمان وزارتخانه مزبور از تشکیلات نیرومند و منسجم برخوردار نبود. از هنگام تاسیس وزارت امور خارجه تا برقراری مشروطیت در سال ۱۹۰۶ میلادی مجموعاً یازده نفر این مقام را به عهده گرفتند. وزیران امور خارجه در این دوره‌ها تابع و مجری دستورات صدر اعظم وقت بودند و در حقیقت وزارت امور خارجه به صورت شعبه‌ای از دفتر صدارت اعظمی بشمار می‌رفت. تا این که در سال ۱۸۸۲ میلادی اولین نظامنامه وزارتخانه مشتمل بر ۲۵ فصل به تصویب ناصرالدین شاه رسید. این ترتیب و روند تا پایان عمر سلسله قاجاریه تداوم داشت. با این همه نمی‌توان گفت که ایران تا انقلاب مشروطیت به معنای صحیح کلمه دارای «وزارت امور خارجه» بوده است، چرا که از تشکیلات وزارتی خبری نبود.

در این مقاله هدف اصلی آشنایی با خلاصه بیوگرافی سفیران مبادله شده دو کشور ایران و آمریکا می‌باشد. با این بیان روشن است که این گفتار در صدد پرداختن و مورد بحث قرار دادن روابط تجاری بازرگانی و فرهنگی نیست.

روابط سیاسی ایران با دولت‌های غیر همجوار

ایران کشوری است که از جهات مختلف جغرافیایی، سوق الجیشی و ژئوپولیتیک همواره مهم بوده است و از جمله کشورهای قابل توجه جهان بشمار می‌رود. این موضوع را کشورهای غربی و غیره از دوران گذشته درک و بدان رسیده بودند. اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که ایران در

دوران شاه عباس بزرگ با کشورهای اروپایی مراد و ارتباط داشته است. در گذشته هر هیأتی که به کشور دیگر فرستاده می‌شد او را سفیر می‌خواندند در واقع آن هیأت مأمور انجام کاری بود که امروز آن را با تشکیلات مدرن و برنامه ریزی حساب شده عمل می‌نمایند. منتهی موضوع بحث در اینجا «برقراری روابط دیپلماتیک است که با گشایش سفارت و تعیین وزیر مختار یا سفیر، معنی و مفهوم پیدا می‌کند.» کشورهای روسیه و انگلستان حضور فعال در صحنه سیاست ایران داشتند و این بدان خاطر بود که سایه آنان در مرزها و سرحدات کشورمان را پوشاند با این اوصاف اسناد و مدارک گواه است که ایران با امپراطوری روسیه، انگلیس و نیز دولت ترکیه در سال ۱۸۵۱ میلادی برابر ۱۲۳۰ شمسی، روابط دیپلماتیک را آغاز کرده و آقایان میرزا محمد حسین خان عضد الملک، میرزا شفیق خان نایب اجودان باشی و حاجی میرزا احمدخان خوبی را به عنوان وزیران مختار برای سه کشور یاد شده اعزام کرد. هنگام زمامداری سلسله قاجار، روسیه و انگلستان به دلیل داشتن قدرت در منطقه از یک سو و ضعف و ناتوانی در درون حکومت قاجاریان از سوی دیگر روابط ایران با دیگر کشورها جدی نبوده و ارتباط اندک هم جنبه تشریفاتی و سمبلیک داشته است. امپراطوری اتریش و مجارستان در سال ۱۸۷۳ میلادی «کنت ویکتور دوسبکی» را به سمت وزیر مختاری به تهران فرستاد نامبرده اقدام به تاسیس سفارت نمود. اما دولت ایران در سال ۱۸۸۳ نریمان قوام السلطنه را که ارمنی بود به سفارت در دربار امپراطور اتریش به وین فرستاد. هنگامی که ناصرالدین شاه دومین سفر خود به اروپا را می‌گذراند عده‌ای از افسران اتریشی برای تعلیم سربازان ایرانی استخدام شدند ولی دولت روسیه که مایل نبود رقیبی در برابر قزاقخانه داشته باشد. به طرز عجیبی اقدام به اخلال و کارشکنی کرد که افسران مزبور دلسرد شده و ایران را ترک نمودند. با این که دولت امپراطوری اتریش و مجارستان در آن هنگام از دول مقتدر اروپا محسوب می‌شد اما چون منافع سیاسی و اقتصادی مهمی در ایران نداشت چندان توجهی به این کشور ننمود. حتی اعزام وزیر مختار ایران ده سال بعد از اعزام وزیر مختار اتریش صورت پذیرفت بدون شک روسها در خصوص این موضوع هم دخالت ورزیدند.

اما فرانسه، ناپلئون سوم امپراطور فرانسه که مانند عمویش ناپلئون کبیر نقشه‌های جاه طلبانه‌ای برای تصرفات فرانسه داشت در ژوئیه ۱۸۵۵ میلادی وزیر مختاری به نام «پروسه بوره» به ایران فرستاد. وی توانست یک عهدنامه تجارتنی هم با میرزا آقاخان نوری منعقد کند. ناپلئون همواره

نسبت به ایران اظهار دوستی و صمیمیت می‌کرد و با میانجیگری ناپلئون سوم بود که پیمان صلح پاریس بین ایران و انگلستان منعقد گردید. پس از جنگ ۱۸۷۰ میان آلمان و فرانسه که منجر به سقوط ناپلئون سوم و اعلام جمهوریت در فرانسه گردید باز هم روابط و مناسبات دوستانه بین ایران و فرانسه تداوم یافت. آنچه که دو کشور فرانسه و ایران را به یکدیگر نزدیک می‌کرد روابط فرهنگی بود زیرا فرانسه قدرت نظامی و سیاسی گذشته را نداشت و منافع خاصی هم در ایران نداشت به همین دلیل نتوانست نقش مهمی در صحنه‌ی سیاست ایران بازی کند. اما دولت ایران در سال ۱۸۵۷ میلادی مطابق ۱۲۳۵ شمسی روابط رسمی دیپلماتیک خود را با فرستادن فرخ خان امین‌الملک غفاری با دولت فرانسه پس از دو سال تاخیر آغاز کرد.

ژاپن، در ماه مارس ۱۸۶۳ از طرف امپراتور ژاپن سفیری به نام «یوشیدا» به ایران اعزام گردید. سفیر نامبرده به حضور ناصرالدین شاه رسید و نامه امپراتور کشورش را که مبنی بر «اظهار تمایل به افتتاح باب تجارت بین دو کشور ژاپن و ایران بود» تقدیم کرد. اما عملاً هیچ اقدامی در این خصوص بعمل نیامده و درباریان ناصرالدین شاه موضوع مزبور را به فراموشی سپردند و برقراری روابط سیاسی و بازرگانی بین ایران و ژاپن از این تاریخ تا نیم قرن به تعویق افتاد.

سوئیس - روابط و مناسبات ایران و سوئیس هم در حد قابل توجه نبود. در ژوئیه ۱۸۷۳ «نظر آقا یعین السلطنه» وزیر مختار ایران در شهر «ژنو» عهدنامه مودت و تجارت بین ایران و سوئیس با وزیر خارجه فدرال این کشور امضاء کرد ولی تأسیس سفارت تا بعد از جنگ جهانی اول به تاخیر افتاد. ایتالیا - پس از آنکه این کشور وحدت خویش را به دست آورده و رسماً اعلام استقلال کرد، وزیر مختاری از سوی دولت نو بنیاد ایتالیا در سال ۱۸۶۲ میلادی به تهران اعزام شد و در ۲۴ سپتامبر همان سال عهدنامه مودت و تجارت بین دو کشور را میرزا سعیدخان، وزیر امور خارجه امضاء کرد. اما دولت ایران در سال ۱۲۷۵ شمسی نریمان قوام السلطنه را به عنوان وزیر مختار به رم فرستاد. در سال ۱۸۸۶ دو دولت ایران و ایتالیا اقدام به تأسیس سفارتخانه دائمی در پایتخت یکدیگر نمودند. ظاهراً دولت ایران با پانزده سال تاخیر وزیر مختار خود را به ایتالیا فرستاد و ده سال بعد دو دولت سفارت دائمی تأسیس کردند.

اما کشورهای اسکاندیناوی در سال ۱۸۸۶ میلادی روابط و مناسبات سیاسی با ایران برقرار نمودند. میرزا رضاخان ارفع الدوله وزیر مختار ایران در دربار سوئد و نیز در دانمارک وزیر مختار

انگلستان شد. تا اینجا معلوم گردید که ایران شکوه و عظمت نسبی را که در زمان سلسله صفویه بویژه شاه عباس بزرگ به دست آورد در دوران سلسله قاجار همه از دست رفت بطوری که نمی توانستند تصمیم برقراری روابط با کشور غیر همجوار را بدون اجازه روسیه و انگلستان بگیرند.

آغاز روابط ایران و آمریکا و تنشهای آن

تا کنون روشن گردید روابط و مناسبات ایران با کشورهای غیر همجوار خیلی گرم و سازنده نبود. آمریکائیان قبل از آنکه روابط سیاسی با ایران ایجاد کنند به این کشور رفت و آمد می کردند. اما مناسبات سیاسی و دیپلماتیک بین دو کشور در ژوئن سال ۱۸۸۳ میلادی برقرار شد. ایالات متحده در این تاریخ وزیر مختاری به نام س. ج. بنجامین به تهران فرستاد. وی سفارتش را در ایران تاسیس کرد. دولت ایران هم حاجی حسینقلی خان صدر السلطنه فرزند میرزا آقاخان نوری صدر اعظم را در اکتبر ۱۸۸۸ به واشنگتن فرستاد که بعدها به «حاجی واشنگتن» مشهور گردید. در این دوره دولت آمریکا فعالیت چندانی در ایران نداشت. مهمترین کار دولت ایالات متحده آمریکا در این دوره حمایت از مسیونرها و مبلغان مذهبی آمریکایی در ایران بوده است. دولت ایران بر پایه تاریخ ارائه شد پنجسال بعد از آمریکا سفارت خود را در واشنگتن بنا کرده است. همانطوری که گفته شد نفوذ دولت های انگلستان و روسیه در ایران مانع هر گونه تصمیم گیری دولت ایران در روابط با دیگر کشورها بوده است. البته این بدان معنی نیست که روابط با دیگر کشورها بهتر از انگلستان و روسیه بوده بلکه سخن در این است که دولت ایران راساً و شخصاً قادر به اتخاذ تصمیم در آن هنگام نبوده است. این احتمال را هم نمی توان از نظر دور داشت که اگر دولت های غیر همجوار نقش دو دولت روسیه و انگلستان را داشتند این مشکل و دردسر را برای دولت وقت ایران فراهم می ساختند. منتهی چیزی که به یاری ایران شتافت شانس بود که نگذاشت دولت های غیر همجوار هم در ایران باندازه انگلستان و روسیه منافع داشته باشند. روابط و مناسبات سیاسی ایران با آمریکا همیشه و در همه حال یکسان و یکنواخت نبوده است بلکه شرائط زمانی هر از چندگاه آن را دچار بحران و تنش جدی می ساخت. ایران در سال ۱۹۱۹ میلادی قرار دادی را با دولت انگلیس منعقد ساخت این قرارداد به مذاق دولت آمریکا خوش ننمود و بلافاصله دولت مزبور به منظور تهدید دولت ایران کمک دویست هزار تومانی خو- به ایران را قطع کرد. اما این تنش و بحران در مناسبات تاثیر چندانی بر

فضای مناسبات سیاسی نگذارد.

در دو مقطع از تاریخ، بحران بسیار جدی در روابط و مناسبات سیاسی ایران و آمریکا پدیدار گردید که تمام مناسبات فرهنگی، علمی، اقتصادی و نظامی را در بر گرفت و بر روی آنها تأثیر مستقیم گذاشت. در بحران نخست که شرح آن بزودی خواهد آمد برای مدتی مناسبات سیاسی دولت ایران و ایالات متحده آمریکا قطع گردید. در بحران دوم که دولت آمریکا مسبب بروز آن بود. روابط دیپلماتیک دو کشور قطع شده و کماکان نیز ادامه دارد. اکنون لازم است به علل و عوامل مؤثر در قطع روابط سیاسی دو کشور اشاره گردد. و سپس از زوایای مختلف بر روی آن مطالعه و کاوش صورت پذیرد. حادثه‌ای که موجب قطع روابط سیاسی ایران و آمریکا شد بدین قرار است. در نوامبر ۱۹۳۵ میلادی مطابق با آذر ماه ۱۳۱۴ شمسی غفار جلال علاء وزیر مختار ایران در آمریکا بعلت تخلف از مقررات رانندگی از سوی یک پاسبان آمریکایی بازداشت گردید، با آنکه وزیر مختار ایران خود را معرفی کرد پلیس آمریکا ترتیب اثر نداده و او را دست بند زده و به پاسگاه پلیس منتقل نمود. پلیس اعلام کرد وی به دلیل تخلف از مقررات رانندگی نظیر سرعت غیر مجاز دستگیر شده است. ولی پلیس در پاسگاه به محض این که از هویت وزیر مختار ایران اطلاع پیدا کرد وی را آزاد نمود. دولت ایران از دولت آمریکا خواست نسبت به این حادثه رسیدگی رسماً از دولت ایران عذر خواهی کنند. دولت آمریکا تقاضای ایران را پذیرفت و مساله را رسیدگی کرد. اما وزیر امور خارجه این کشور اظهاراتی را بیان داشت. نتیجه این که دولت آمریکا از حادثه پدید آمده عذرخواهی ننمود امور یاد شده موجب گردید که رضا شاه در مارس ۱۹۳۶ فروردین ۱۳۱۵ دستور احضار وزیر مختار و قطع روابط سیاسی ایران با آمریکا را صادر نماید. دو سال و نیم بعد یعنی اواخر سال ۱۹۳۸ «والاس مری» به عنوان نماینده فوق العاده آن کشور به تهران آمد و رسماً از طرف دولت آمریکا عذر خواهی به عمل آورد و بدنبال این اقدام روابط سیاسی ایران و آمریکا در ژانویه ۱۹۴۰ دی ماه ۱۳۱۸ مجدداً برقرار گردید. رضاشاه در توجیه عمل خود موضوع را اهانت به وزیر مختار ایران تلقی کرد و نتیجه عادی آن را قطع مناسبات سیاسی دو کشور دانست. هنگامی که مناسبات سیاسی ایران و آمریکا قطع شد ترکیه حافظ منافع ایران در آمریکا بوده است.

اما بحران دیگری که موجب قطع مناسبات سیاسی ایران و آمریکا گردید در ارتباط با شاه مخلوع ایران بود. پناه دادن به شاه و حمایت از او توسط دولت آمریکا، موجب خشم عمومی و ملی در ایران

گردید و هیجانات عمومی خارج از کنترل دولت ایران شد. در نتیجه جمعی از دانشجویان مسلمان سفارت آمریکا در تهران را اشغال و به منظور استرداد شاه مجرم، اعضای آن را به گروگان گرفتند. در نتیجه از تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ روابط و مناسبات سیاسی رسمی دو کشور به کلی قطع گردید. این بار نیز قطع روابط دیپلماتیک تأثیر مهمی در شوون دیگر گذارد. بگونه‌ای که مقامات آمریکایی، بر خلاف عرف و موازین بین‌المللی، جهت تحت فشار قرار دادن دولت ایران قوانین سختگیرانه‌ای علیه ایران در زمینه اقتصادی، وضع نمودند. اکنون حدود ۱۷ سال است که روابط دو کشور به کلی قطع می‌باشد. در آغاز ایران و آمریکا الجزایر پاکستان و سوئیس را به عنوان حافظان منافع یکدیگر انتخاب کردند.

نگاهی به چند واژه سیاسی

قبل از آنکه به بیوگرافی سفر او نمایندگان سیاسی ایران و آمریکا از آغاز برقراری روابط و مناسبات سیاسی تا سال ۱۳۵۹ پرداخته شود، ضروری است چند اصطلاح که در روابط بین‌الملل، سخنرانی سیاستمداران و نیز مقالات سیاسی به کار برده می‌شود، شرح داده شوند. در گذشته‌های دور آداب و رسوم دیپلماتیک به شیوه امروز نبود که هر کشوری در کشور دیگر سفارتخانه ثابت داشته باشد و این سفارتخانه به منزله خاک کشورش تلقی گردد و هر گونه تعرض و تعدی به آن، تجاوز و تعدی به حاکمیت کشور صاحب سفارتخانه محسوب شود. در سابق اگر هیأتی به منظور انجام پاره‌ای از مذاکرات و گفتگو پیرامون مسایل مورد علاقه دو طرف به کشوری عزیمت می‌کرد هیأت مزبور سفیر خوانده می‌شد که البته آن افراد مانند امروز از مصونیت‌های سیاسی برخوردار بودند. و همین طور فرد اعزام شده در رأس هیأت که وزیر مختار نامیده می‌شد.

وزیر مختار: این عنوان به مامور دیپلماتیک اطلاق می‌شود که از نظر درجه پایین تر از سفیر است. اما این مقام که مامور کشوری در کشور دیگر است برای او باقی است. در گذشته کشورهای بزرگ و نیرومند نزد یکدیگر سفیر و نزد کشورهای کوچک و یا کم اهمیت به هر دلیل وزیر مختار می‌فرستادند. اما امروز وزیر مختار جز عنوان چیز دیگری برای آن باقی نمانده است. و در بعضی از موارد این درجه را به نفر دوم بعد از سفیر در سفارتخانه می‌دهند که اداره برخی از رشته‌های مهم فعالیت سفارت را بر عهده دارد. در حال حاضر عنوان وزیر مختار عملاً منسوخ شده است.

روابط دیپلماتیک: و آن عبارت است از روابطی که بین دو کشور پس از آنکه یکدیگر را به رسمیت شناختند با توافق برقرار می‌گردد. برقراری روابط دیپلماتیک با اعزام نماینده از سوی دو کشور ایجاد می‌شود. مناسبات و روابط دیپلماتیک شامل کلیه ارتباطات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که بین دو یا چند کشور از طریق نمایندگان دیپلماتیک کشورها صورت می‌پذیرد.

ماموریت دیپلماتیک: یعنی تمام کارهایی که نمایندگی دولت فرستنده نزد دولت پذیرنده انجام می‌دهد. امروزه این ماموریت در حد بسیار گسترده توسعه یافته است که بیان آن در این مختصر نمی‌گنجد. واژه ماموریت همه‌ی اشخاصی را که در محل معینی مامور انجام و اجرای وظایفی هستند در بر می‌گیرد. اما اعضای ماموریت دیپلماتیک بعد از سفیر یا وزیر مختار بترتیب عبارت است از: وزیر مختار، رایزن، دبیر اول، دبیر دوم، دبیر سوم و وابسته. همانطور که گفته شد سفیر بالاترین درجه و مقام ماموریت دیپلماتیک است. ذکر کلمه «کبیر» بدنبال سفیر نادرست و بی‌معنی است. با این اوصاف امروزه در زبان فارسی متداول شده است. در اصطلاح خارجی لغتی را که معنی کبیر داشته باشد در دنبال سفیر استعمال نمی‌کنند. رتبه همه سفرا یکی و هر سفیری کبیر است.

سفیر فوق العاده: سفیری که برای کار معین و یا برای مدت محدودی نزد دولت دیگر سفارت دارد سفیر فوق العاده نامیده می‌شود. سفیر فوق العاده نماینده دولت محسوب می‌شود، نه نماینده رئیس دولت به همین دلیل سفیر مزبور حق درخواست مستقیم ملاقات از رئیس دولت. محل ماموریت را ندارد.

ممکن است خوانندگان در خلال این گفتار به واژه «اکردیته» برخورد کنند. واژه «اکردیته» یعنی معتبر یا کسی که واجد اعتبار است. نماینده سیاسی یک کشور اگر علاوه بر محل ماموریت خاص خود، در کشورهای دیگر هم مامور باشد، در کشورهای اخیر «اکردیته» نامیده می‌شود. ممکن است یک فرد معینی را در چند کشور به عنوان رئیس یا عضو ماموریت تعیین نمایند. این امر غالباً به خاطر مسایل مالی، عدم روابط در حد کافی و کمبود اشخاص صلاحیتدار برای سمت سفارت است.

دوران پهلوی پنجاه و سه سال بطول انجامید. در این مدت حدود ۲۷۰ نفر به مقام سفارت یا وزیر مختاری دست یافتند. در دوران رضاشاه شمار سفارتخانه‌های ایران در کشورهای خارجی کم و محدود بوده است. ولی در انتخاب نمایندگان سیاسی دقت زیادی بعمل می‌آمد. اکثر نمایندگان سیاسی در آن هنگام عنوان وزیر مختاری را دارا بودند. نماینده سیاسی ایران در آمریکا هنگام به

قدرت رسیدن رضا شاه باقر کاظمی بود که شرح حال او در جای خود خواهد آمد. مجموع نمایندگان سیاسی ایران در ایالات متحده آمریکا از سال ۱۲۶۵ شمسی تا ۱۳۶۱ شمسی ۳۰ نفرند که اسامی و بیوگرافی آنها خواهد آمد. البته روابط ایران و آمریکا در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ قطع شده است. افرادی که کادر موقت و حافظ منافع بودند نیز در این لیست قرار دارند. مجموع نمایندگان سیاسی آمریکا در ایران به ۲۷ نفر می‌رسد که اسامی و شرح حال آنها نیز بزودی از نظر خواهد گذشت. گفتنی است ابتدا به درج خلاصه زندگینامه نمایندگان سیاسی ایران بر حسب توالی زمانی و بر پایه‌ی تاریخ انتصاب آنان در آمریکا و سپس به درج بیوگرافی نمایندگان سیاسی آمریکا در ایران با رعایت ترتیب و توالی تاریخی اقدام می‌کنیم.

